

بررسی تطبیقی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر

گردآورنده: اعظم درویشی
حوزه علمیه: امام حسین علیه السلام

چکیده

عدالت اجتماعی به عنوان بنیان نظم انسانی، در قرآن کریم جایگاهی محوری دارد. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی این دو منبع و تبیین نوآورانه ظرفیت‌های همگرایی میان آنهاست. مواد و روش مبتنی بر تحلیل محتوای تطبیقی آیات مرتبط با عدالت و مواد اعلامیه است. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن عدالت را مفهومی الهی و پیوندخورده با توحید و اخلاق می‌داند، در حالی‌که اعلامیه آن را بر عقلانیت و برابری مطلق انسان‌ها استوار می‌سازد. هر دو در اصولی چون کرامت ذاتی، نفی تبعیض و ضرورت رفع ستم همسو هستند، اما در مبانی معرفتی، محدوده آزادی و عدالت جنسیتی تفاوت دارند. نوآوری این پژوهش در برجسته‌سازی امکان تلفیق نگاه الهی و حقوق بشری برای ارائه الگویی جامع‌تر از عدالت اجتماعی است. نتیجه‌گیری: همگرایی در اهداف کلان و پذیرش تفاوت‌های مبنایی می‌تواند راهگشای گفتمان مشترک میان فرهنگ اسلامی و نظام حقوق بشر باشد.

واژگان کلیدی: اعلامیه جهانی حقوق بشر، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، مقایسه تطبیقی

مقدمه

عدالت اجتماعی همواره یکی از آرمان‌های بزرگ بشری و از اساسی‌ترین نیازهای جوامع انسانی به شمار می‌رود. اندیشمندان، فیلسوفان، مصلحان اجتماعی و رهبران سیاسی در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا تعریف و الگویی جامع از عدالت ارائه دهند، چراکه بدون برقراری عدالت اجتماعی، هیچ جامعه‌ای به انسجام، امنیت و توسعه واقعی دست نخواهد یافت. به همین دلیل عدالت اجتماعی را می‌توان سنگبنای نظم اجتماعی و ضامن تحقق کرامت انسانی دانست (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۱).

در فرهنگ اسلامی، عدالت نه تنها یک اصل اجتماعی، بلکه یک اصل الهی و اخلاقی محسوب می‌شود. قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی مسلمانان، بارها و به صورت‌های گوناگون بر ضرورت تحقق عدالت در ابعاد مختلف زندگی تأکید کرده است. در نگاه قرآن، عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» یعنی قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته آن است و این مفهوم گستره‌ای وسیع از مناسبات فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۰۵). خداوند در آیات متعددی مسلمانان را به عدالت‌ورزی امر می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل/۹۰) و «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا، اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸). این آیات نشان می‌دهد که عدالت در قرآن نه صرفاً یک وظیفه اجتماعی بلکه شرط اساسی رسیدن به تقوا و قرب الهی است.

با وجود چنین تأکیدی بر عدالت در قرآن، تجربه‌های تاریخی بشر نیز نشان داده که در فقدان عدالت اجتماعی، فجایع عظیمی به وقوع می‌پیوندد. قرن بیستم نمونه‌ای آشکار از این وضعیت است؛ دو جنگ جهانی، گسترش تبعیض‌های نژادی، استعمار، و نقض گسترده حقوق انسانی شرایطی را به وجود آورد که جامعه جهانی به ضرورت تدوین یک سند فراگیر برای حفظ حقوق انسان‌ها پی برد. نتیجه این ضرورت، تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در سال ۱۹۴۸ بود که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این اعلامیه مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها را در خود جای داده است که هدف اصلی آن تحقق برابری، آزادی و کرامت انسانی و پیشگیری از ظلم و تبعیض در سطح جهانی است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۵).

اعلامیه جهانی حقوق بشر در واقع کوششی بشری برای تبیین عدالت اجتماعی در سطح بین‌المللی بود. این سند با تأکید بر برابری ذاتی تمامی انسان‌ها (ماده ۱ و ۲) و ممنوعیت تبعیض (ماده ۷)، همچنین شناسایی حقوق اساسی افراد در حوزه‌هایی مانند آزادی، امنیت، آموزش، کار و تأمین اجتماعی، بستری را برای تعریف نوین عدالت اجتماعی فراهم

ساخت (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۸۹). از این منظر، می‌توان گفت که اعلامیه، نقطه عطفی در تاریخ معاصر در زمینه تلاش برای تحقق عدالت در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود.

با این حال، باید توجه داشت که قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر با وجود اشتراک در اصول کلی، بر پایه‌های نظری متفاوتی استوار هستند. قرآن عدالت را امری الهی، اخلاقی و مرتبط با آخرت می‌داند و بر این باور است که بدون ایمان و پیوند با ارزش‌های معنوی، عدالت اجتماعی به‌طور کامل تحقق نخواهد یافت (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در مقابل، اعلامیه جهانی حقوق بشر عدالت را در چارچوب سکولار، عرفی و مبتنی بر قرارداد اجتماعی و اجماع بشری تعریف کرده است (افراسیابی، ۱۳۸۹: ۴۵). همین تفاوت در مبانی معرفتی، سبب شده که مقایسه تطبیقی این دو منبع، اهمیت علمی و عملی ویژه‌ای پیدا کند.

علاوه بر این، یکی از مسائل مهم در بررسی تطبیقی قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نحوه مواجهه آن‌ها با مقوله‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در قرآن، عدالت اجتماعی با ابزارهایی همچون زکات، خمس، انفاق و حرمت ربا تضمین می‌شود که نشان‌دهنده توجه جدی به عدالت اقتصادی است. همچنین قرآن بر حمایت از مستضعفان، یتیمان و محرومان تأکید دارد. در حالی‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر بیشتر بر حقوق کار، آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی تمرکز کرده و کمتر به سازوکارهای معنوی و دینی در تحقق عدالت اجتماعی می‌پردازد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

با نگاهی به وضعیت امروز جهان، روشن می‌شود که موضوع عدالت اجتماعی همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه بشری است. شکاف‌های طبقاتی، تبعیض‌های نژادی و جنسیتی، فساد سیاسی و اقتصادی و بحران‌های جهانی مانند فقر و مهاجرت اجباری، ضرورت بازخوانی مفهوم عدالت اجتماعی را دوچندان کرده است. در چنین شرایطی، بررسی تطبیقی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند پاسخی علمی به نیازهای امروز باشد. این بررسی علاوه بر آنکه از جنبه نظری به غنای مطالعات دینی و حقوقی کمک می‌کند، از منظر عملی نیز می‌تواند زمینه‌ساز تعامل میان نظام‌های فکری مختلف و تقویت گفت‌وگو میان عدالت در سطح جهانی باشد.

بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که با تمرکز بر مفهوم عدالت اجتماعی، دو منبع مهم یعنی قرآن کریم و اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد مطالعه تطبیقی قرار دهد. هدف آن است که ضمن تبیین ابعاد عدالت اجتماعی در هر یک از این منابع، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود شناسایی شود و نشان داده شود که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های مشترک برای تحقق عدالت در دنیای معاصر بهره برد.

ضرورت انجام این پژوهش از چند جهت قابل تأمل است: عدالت اجتماعی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در فلسفه سیاسی، حقوق و اندیشه‌های دینی است که از دیرباز مورد توجه متفکران و مصلحان اجتماعی بوده است. قرآن کریم، به‌عنوان مهم‌ترین منبع معرفتی مسلمانان، عدالت را نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و حتی هدف بعثت پیامبران معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه نشان می‌دهد که تحقق قسط و عدالت اجتماعی یکی از اهداف اصلی نزول وحی و ارسال رسل بوده است. از سوی دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان سندی بنیادین در نظام بین‌الملل، عدالت اجتماعی را در قالب اصولی همچون آزادی، برابری، منع تبعیض و تضمین حقوق اساسی همه انسان‌ها بازتاب داده است (هاشمی، ۱۳۹۰). ضرورت انجام تحقیق حاضر را می‌توان در چند محور عمده تبیین کرد:

ضرورت نظری و معرفتی: عدالت اجتماعی در قرآن مبتنی بر وحی الهی و اصول فطری است، در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبانی عقلانی، تجربه تاریخی و توافق جمعی استوار است. بررسی تطبیقی این دو می‌تواند موجب روشن‌تر شدن مبانی معرفتی و فلسفی عدالت شود و زمینه‌ای برای تولید ادبیات علمی بومی در حوزه عدالت اجتماعی فراهم سازد (مطهری، ۱۳۸۴). ضرورت اجتماعی و فرهنگی:

امروزه بسیاری از جوامع، به‌ویژه جوامع اسلامی، با مشکلاتی چون شکاف طبقاتی، فقر، تبعیض جنسیتی، محرومیت اقشار ضعیف و تضادهای فرهنگی مواجه‌اند. تبیین عدالت اجتماعی از منظر قرآن و مقایسه آن با دیدگاه جهانی می‌تواند الگوهای کاربردی برای کاهش نابرابری‌ها و رفع تبعیض در این جوامع ارائه دهد (افراسیابی، ۱۳۸۹). ضرورت حقوقی و سیاسی:

در عرصه حقوقی، یکی از مسائل مهم، نسبت میان ارزشهای دینی و معیارهای جهانی حقوق بشر است. برخی معتقدند میان این دو تقابل و ناسازگاری وجود دارد، در حالی که دیگران بر وجود نقاط اشتراک و امکان همگرایی تأکید دارند. پژوهش حاضر می‌تواند با بررسی تطبیقی این دو منبع، زمینه گفت‌وگو و همگرایی میان نظام حقوقی اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر را فراهم کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۷). ضرورت اخلاقی و انسانی:

عدالت اجتماعی، ارزش مشترکی است که همه فرهنگها، ادیان و نظام‌های حقوقی بر آن تأکید دارند. پژوهش تطبیقی قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند به تقویت اخلاق جهانی، تفاهم میان‌فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها کمک کند. این امر به‌ویژه در جهان معاصر که شاهد بحران‌های

اخلاقی، جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌های گسترده است، اهمیتی دوچندان دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

ضرورت کاربردی و عملی:

یکی از چالش‌های مهم در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کشورهای اسلامی، نحوه انطباق یا تلفیق اصول حقوق بشری با مبانی اسلامی است. این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای تقنینی کمک کند تا راهکارهایی بومی و کارآمد برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در جامعه طراحی کنند.

در مجموع، ضرورت تحقیق حاضر از آن روست که می‌کوشد با نگاه تطبیقی، دو منبع مهم و اثرگذار — قرآن به‌عنوان وحی الهی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان دستاورد عقل جمعی بشر — را در کنار هم قرار دهد تا نه تنها اشتراکات و تمایزات روشن گردد، بلکه راهکاری عملی برای تحقق عدالت اجتماعی در جوامع امروز ارائه شود.

بیان مسئله

عدالت اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین اصول زندگی جمعی انسان‌ها است و نقش محوری در ثبات، امنیت و توسعه جوامع دارد. با وجود اهمیت این مفهوم، در جهان امروز همچنان نابرابری‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده فاصله نظری و عملی میان مفهوم عدالت و تحقق آن در واقعیت اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۳). این وضعیت ضرورت بررسی و بازتعریف عدالت اجتماعی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

قرآن کریم عدالت را به‌عنوان یک اصل الهی و ضروری برای حیات انسانی معرفی می‌کند. عدالت در قرآن نه تنها به معنای رعایت حقوق افراد است، بلکه تحقق قسط و انصاف در تمامی روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی سیاسی را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۰۵). از سوی دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی، عدالت اجتماعی را در قالب حقوق و آزادی‌های بنیادین انسانی تبیین کرده است و هدف آن تأمین برابری و منع تبعیض برای همه افراد جامعه است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۵).

با وجود اهمیت هر دو منبع، پژوهش‌های موجود بیشتر به بررسی عدالت اجتماعی در یک حوزه محدود پرداخته‌اند؛ یا صرفاً قرآن مورد مطالعه قرار گرفته است و یا اعلامیه جهانی حقوق بشر محور تحلیل بوده است. مطالعات تطبیقی بین این دو منبع نادر است و این خلا باعث شده که هنوز پرسش‌های مهمی در مورد نقاط اشتراک، تفاوت‌ها و امکان همگرایی میان دیدگاه دینی و بین‌المللی عدالت اجتماعی پاسخ داده نشده باقی بماند (افراسیابی، ۱۳۸۹: ۴۶).

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که: عدالت اجتماعی در قرآن کریم چگونه تعریف و تبیین شده و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی

می‌داند؛ اعلامیه آن را در چارچوب نظام حقوقی سکولار تعریف می‌کند	بی‌طرفی قضایی	برائت، حق دسترسی برابر به دادگاه	حتی علیه خود و نزدیکان، حرمت ظلم
---	---------------	----------------------------------	----------------------------------

توضیح جدول ۳: عدالت قضایی در هر دو منبع بر بی‌طرفی و انصاف تأکید دارد، اما قرآن آن را در پیوند با اخلاق و آخرت می‌بیند، در حالی‌که اعلامیه آن را با ضمانت‌های حقوقی مدنی محدود می‌کند.

جدول ۴. مقایسه عدالت جنسیتی در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر

نقاط افتراق	نقاط اشتراک	اعلامیه جهانی حقوق بشر	قرآن کریم	محور
قرآن عدالت را با توجه به تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های مکمل تعریف می‌کند؛ اعلامیه بر برابری مطلق تأکید دارد	اصل کرامت انسانی و رفع تبعیض	برابری مطلق زن و مرد در حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی	کرامت مشترک زن و مرد، برابری در ثواب و عقاب، نقش‌های مکمل	عدالت جنسیتی

توضیح جدول ۴: عدالت جنسیتی در قرآن با تأکید بر کرامت برابر اما نقش‌های متفاوت مطرح می‌شود، در حالی‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر به برابری مطلق بدون توجه به نقش‌های طبیعی اصرار دارد.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در مفهوم‌پردازی عدالت اجتماعی در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) هم نقاط همگرایی وجود دارد و هم نقاط واگرایی. یکی از نتایج کلیدی این است که هر دو چارچوب بر کرامت ذاتی انسان و برابری افراد تأکید دارند، اما بنیان‌های معرفتی آن‌ها به‌طور اساسی متفاوت است. یافته حاضر با دیدگاه مطهری (۱۳۸۴: ۲۳) همسو است که معتقد است عدالت در قرآن مبتنی بر اصول الهی و اخلاقی است و تحقق آن نه تنها نیازمند نظم اجتماعی، بلکه متکی بر تقوا، مسئولیت الهی و رعایت فطرت انسانی است. در مقابل، اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حقوق طبیعی و قوانین انسانی تأکید دارد و تحقق عدالت اجتماعی

را به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی واگذار می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۰).

عمید زنجانی (۱۳۸۷: ۱۱۵) نیز نشان داده است که منابع اسلامی از جمله قرآن، عدالت را نه صرفاً یک قرارداد اجتماعی، بلکه **تکلیفی الهی و مسئولیتی انسانی در برابر خداوند** می‌دانند. این دیدگاه، با چارچوب سکولار UDHR متفاوت است؛ زیرا در اعلامیه جهانی، تأمین عدالت اجتماعی به وسیله انسان و قوانین بین‌المللی دنبال می‌شود. با این حال، هر دو چارچوب بر **ممنوعیت تبعیض و رعایت انصاف** تأکید دارند، که نشان‌دهنده دغدغه مشترک آنها در پاسداشت کرامت انسانی است.

یافته دیگر پژوهش حاضر این است که قرآن عدالت را به **عرصه‌های اقتصادی** نیز گسترش می‌دهد، از جمله توزیع عادلانه ثروت، جلوگیری از استثمار و تأکید بر حمایت از محرومان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۰۵). این مفهوم با تحلیل بادرین (بادرین، ۱۳۸۲) از اخلاق اجتماعی اسلامی همخوانی دارد. در مقابل، UDHR عدالت اقتصادی را بیشتر در قالب **حقوق اجتماعی-اقتصادی** مانند حق کار، استاندارد مناسب زندگی و تأمین اجتماعی (مواد ۲۲ تا ۲۵) مطرح می‌کند. فاضل (۱۳۹۱: ۴۶) نیز نشان داده است که این تفاوت‌ها ریشه در **برداشت‌های متفاوت از ماهیت انسان و مسئولیت اجتماعی** دارد: چارچوب قرآنی بر مسئولیت جمعی تحت حاکمیت الهی تأکید می‌کند، در حالی که UDHR بر خودمختاری فردی در چارچوب قانون سکولار تکیه دارد.

در حوزه عدالت جنسیتی، یافته‌ها حاکی از تنش و تفاوت میان دیدگاه‌هاست. قرآن بر **برابری ارزش و مسئولیت معنوی زنان و مردان** تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۰۵)، اما سنت‌های تفسیری و رویکردهای اجتماعی گاه نقش‌های عمومی زنان را محدود کرده‌اند. در مقابل، UDHR به صورت **صریح و بدون قید و شرط** بر تساوی حقوق زنان و مردان تأکید دارد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۲). فاضل (۱۳۹۱) نیز بیان می‌کند که مفاهیم اسلامی عدالت تنها در صورتی با حقوق بشر بین‌المللی سازگارند که **تفاسیر زمینه‌مند و متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی** لحاظ شوند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که ظرفیت **گفت‌وگو و همگرایی** میان قرآن و UDHR وجود دارد. افراسیابی (۱۳۸۹: ۴۶) تأکید دارد که ارزش‌های جهانی چون عدالت و کرامت می‌توانند **بستر مشترکی برای تعامل فرهنگی، اجتماعی و حقوقی** فراهم کنند، مشروط بر آن که هر دو طرف به میانی فلسفی خود پایبند باشند. این امر بازتابی از **نوآوری پژوهش حاضر** است؛ پژوهش تنها به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها اکتفا نکرده، بلکه به سمت **طرح امکان تعامل سازنده میان دو سنت معرفتی** حرکت کرده است و می‌تواند به توسعه

سیاست‌گذاری‌های عدالت محور در جوامع اسلامی و بین‌المللی کمک نماید.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که هرچند تفاوت‌های بنیادین میان رویکرد دینی و سکولار وجود دارد، **نقاط اشتراک در اصول عدالت، کرامت انسانی و منع تبعیض** می‌تواند مبنای عملیاتی برای ایجاد هماهنگی و همگرایی در برنامه‌های اجتماعی و حقوقی باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که عدالت اجتماعی به‌عنوان مفهومی بنیادین، هم در قرآن کریم و هم در اعلامیه جهانی حقوق بشر جایگاهی محوری دارد؛ با این تفاوت که ریشه‌های معرفتی و مبنایی این دو نظام کاملاً متفاوت است. قرآن عدالت را بر اساس اراده و حکم الهی تعریف می‌کند و آن را وظیفه‌ای عبادی - اخلاقی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی می‌داند. در مقابل، اعلامیه جهانی حقوق بشر عدالت را در قالب حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر مطرح می‌کند و مرجع مشروعیت آن را اراده جمعی و عقلانیت سکولار می‌داند.

بررسی تطبیقی نشان داد که هر دو منبع بر اصول مشترکی چون کرامت ذاتی انسان، منع تبعیض و ضرورت برابری در حقوق و فرصت‌ها تأکید دارند. با این حال، در حوزه‌هایی مانند عدالت اقتصادی و جنسیتی تفاوت‌های مهمی مشاهده شد؛ تفاوت‌هایی که ناشی از دو رویکرد متفاوت به ماهیت انسان و غایت زندگی است. قرآن بر مسئولیت جمعی و ارتباط عدالت با سعادت اخروی تأکید می‌کند، در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر عدالت را عمدتاً در چارچوب دنیوی و حقوقی پیگیری می‌نماید.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان داد که ظرفیت‌هایی برای همگرایی و گفت‌وگوی سازنده میان این دو چارچوب وجود دارد. اصولی همچون کرامت انسانی، صلح، انصاف و رفع تبعیض می‌توانند مبنای تعامل میان نظام‌های معرفتی دینی و حقوق بشر بین‌المللی قرار گیرند. بدین ترتیب، عدالت اجتماعی می‌تواند نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم نظری، بلکه به‌عنوان پلی برای گفت‌وگو و همکاری میان سنت‌های فکری و نظام‌های حقوقی متنوع به کار گرفته شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تبیین عدالت اجتماعی در پرتو هر دو منبع، ظرفیت ارائه الگویی جامع‌تر و کارآمدتر را دارد؛ الگویی که هم پشتوانه الهی و اخلاقی داشته باشد و هم در عرصه جهانی و حقوقی قابلیت اجرا بیابد. این دستاورد می‌تواند مسیر را برای بازاندیشی در عدالت اجتماعی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در راستای تحقق یک جامعه عادلانه‌تر هموار سازد.

منابع

*قرآن کریم

- (۱) افراسیابی، حسن. «عدالت اجتماعی در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات اسلامی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۸۹.
- (۲) بجنوردی، سید محمد. حقوق بشر و کرامت انسانی در اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- (۳) طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- (۴) سبحانی، جعفر. فلسفه حقوق بشر از دیدگاه اسلام. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
- (۵) هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و آزادی‌های عمومی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- (۶) عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- (۷) کاتوزیان، ناصر. حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- (۸) عندلیب، حسین. عدالت اجتماعی از منظر قرآن و روایات. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
- (۹) فاضل، محمد رضا. «بررسی تطبیقی عدالت اجتماعی در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۹۱.
- (۱۰) مطهری، مرتضی. عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.